



اجتماعی

قاسم اردکانی



# جنگ فته تمدن غرب

□ فوتبال؛ سلاحی در دست استعمار و

اشاره

ورزش به عنوان یک سرگرمی مفید، قابلیت قرار گرفتن در برنامه روزانه تمام افراد جامعه را داراست؛ اما تنها تا زمانی که در خدمت سلامت جسمی و اعتلای سلامت روحی و سالم سازی و جهت دهی اوقات فراغت افراد باشد. امروز وقتی صحبت از ورزش می شود، بسیاری ناخودآگاه ذهنشان به فوتبال معطوف می شود؛ فوتبال این معجزه شگفت انگیز پست مدرن که میلیون ها نفر را دیوانه وار به دنبال نتایج غیر قابل پیش بینی خود می کشاند. «آیا فوتبال با الگوی مدیریت غربی آن، اهداف مثبت و سازنده ورزش را به دست می دهد یا خیر؟» پاسخ به این سؤال با تشریح اهدافی که غرب از توسعه و ترویج فوتبال و دامن زدن به حساسیت های آن پیگیری می کند، روشن خواهد شد. هر چند این مختصر، ظرفیت تشریح این اهداف را دارا نیست.



خصوصی بازیکنان فوتبال، نقل محافل و مجالس آنان است، تا آنجا که نشریات فراوانی یکسره به انتشار این اطلاعات می‌پردازند و در شمار پرتیراژترین نشریات کشور قرار می‌گیرند در مورد شخصیت‌های سیاسی نیز همین قضیه صادق است. یکی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی بین‌المللی، رئیس سازمان ملل است. امروز او در جهان به اندازه کوچک‌ترین بازیکنان مطرح فوتبال نیز شناخته شده نیست. این فاصله گرفتن، حاصلی جز کاهش انگیزه علم‌آموزی و پژوهش و رکود نشاط سازنده سیاسی به دنبال نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

### ۳. مخفی کردن فعالیت‌های سیاسی و پوشاندن تبعات ناشی از آن، زیر بمباران خبری جام جهانی فوتبال

هنگام برپایی این مسابقات، تمام اخبار سیاسی تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد و تمام نگاه‌ها در همه جای دنیا به اخبار آن معطوف می‌شود؛ بنابراین فرصت برای انجام کودتاها، حمله‌ها و فعالیت‌های بزرگ سیاسی، به دور از ذهن و چشم رسانه‌ها و ملت‌ها فراهم می‌شود. با آغاز جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، همه شاهد بودیم که تنها بخشی از ملت ایران از تشدید حملات غاصبان صهیونیست علیه مظلومان فلسطینی آگاهی یافتند و بقیه مردم دنیا، غالباً توجهی به این مسئله مهم سیاسی نداشتند.

### ۴. بهره‌برداری هنگفت اقتصادی همیشه در کنار رقابت‌های بزرگ مثل

**با آغاز جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، همه شاهد بودیم که تنها بخشی از ملت ایران از تشدید حملات غاصبان صهیونیست علیه مظلومان فلسطینی آگاهی یافتند و بقیه مردم دنیا، غالباً توجهی به این مسئله مهم سیاسی نداشتند.**

عنوان ارمغانی انگلیسی به آن‌ها هدیه داد و به آموزش این ورزش به خانواده‌های کارگران پرداخت. پس از مدت کمی، همه کارگران و خانواده‌هایشان، تمام وقت بیکاری خود را با شوق و شور فراوان صرف فوتبال و لذت بردن از آن می‌کردند، و کار به جایی رسید که سرپرست این کمپانی در نامه‌ای به رئیسش در انگلستان چنین نوشت: «... امروز کمتر خانواده‌ای در اروگوئه پیدا می‌شود که به فوتبال اظهار علاقه نکند. ما امروز با کمترین دستمزد، بیشترین بهره‌ر از کارگران خود می‌بریم و آن‌ها هیچ اعتراضی به این مسئله ندارند...»

### ۲. دور شدن گام به گام جوانان از فضای علمی و سیاسی جامعه و جهان و عدم الگوپذیری از نخبگان این عرصه

مسئله الگو و الگوپذیری، همواره یکی از اساسی‌ترین مسائل روانشناختی و جامعه‌شناختی به شمار می‌رود، اما امروز این مسئله چالشی بزرگ، پیش روی خود دارد. در اکثر جوامع، شناخت جوانان از نخبگان علمی و فرهنگی بسیار ناچیز است؛ حال آن‌که اطلاعات فراوانی حتی از زندگی بسیار

### ۱. تولید انبوه غفلت برای ملت‌های جهان سوم

در گذشته استعمارگران برای تاراج ثروت‌ها و منابع ملت‌های جهان سوم، با لشکرکشی زمینی، هوایی و دریایی؛ قدرت خویش را بر آنان تحمیل می‌کردند، اما امروز استعمارگران نو برای در امان ماندن از بیداری و هشیاری ملت‌ها و پیشگیری از اعتراضات مردمی در جهان سوم، بهترین راه را مشغول کردن دائمی ذهن مردم به سرگرمی‌های غفلت‌زا می‌دانند. استعمارگران با این کار، دو هدف بزرگ را نشانه گرفته‌اند: نخست مشغول کردن ذهن ملت‌ها و دیگری تخلیه هیجانات آن‌ها.

شاید جواب این سؤال که چرا از ادگاه فوتبال، انگلستان است، اما نام کشورهای فقیری چون برزیل در صدر رده‌بندی فیفا به چشم می‌خورد نیز همین باشد، زیرا استعمارگران از فوتبال تنها برای بازی کردن خود استفاده نکردند؛ بلکه بیشتر آن را برای بازی دادن ملت‌های جهان سوم به کار گرفتند. به عبارت دیگر آنان فوتبال را به عنوان دستگاه تولید غفلت به منظور سرگرم کردن جوانان این کشورها و چپاول ذخایر غنی مادی و فرهنگی آنان در اختیار گرفتند. به عنوان مثال یک کمپانی اقتصادی انگلیسی که در اروگوئه مشغول تجارت قهوه و کائوچو بود؛ در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ وقتی با اعتراض کارکنان خود نسبت به کمبود دستمزدشان مواجه شد، توپ فوتبال را به

جام جهانی فوتبال، رقابت دیگری هم بین شرکت‌های اقتصادی فراملیتی برگزار می‌شود. رقابتی نه بر سر توپ و جام، بلکه بر سر سود بیشتر. رقابتی که معمولاً با پیروزی شرکت‌های صهیونیستی مثل کوکاکولا و پیپسی پایان می‌پذیرد. به غیر از جام جهانی، مؤلفه‌های سودآور بسیاری در فوتبال، چشم پرطمع غول‌های اقتصادی غرب را به خود خیره کرده است. عقد قرارداد با حامیان مالی (Sponsor)، خرید و فروش بازیکنان، تبلیغات اطراف زمین، تبلیغات روی لباس و وسایل ورزشی بازیکنان، فروش سیگار، نوشیدنی و فست‌فودها درون و بیرون ورزشگاه‌ها و مواردی از این قبیل، همواره سودهای فراوانی را به حساب صاحبان بنگاه‌های اقتصادی فراملیتی و مدیران باشگاه‌های ورزشی واریز می‌کند. در این بین، فیفا نیز با سود سالانه حدود



۳۰۰ میلیارد دلار، از برکات حاصل از این ورزش بسیار مفرح، بی‌نصیب نمانده است. برای درک عمق این فاجعه، کافی است آمار گرسنگی و بیماری‌ها و مرگ و میر ناشی از آن در آفریقا (طبق گزارش سازمان ملل حدود ۱۳ میلیون نفر در آفریقا با مرگ و میر ناشی از گرسنگی مواجه هستند<sup>۳</sup> را با درآمد کشور آلمان از برگزار کردن جام جهانی یک میلیارد و دویست میلیون یورویی<sup>۴</sup> گذشته مقایسه کنیم تا نتیجه سیطره اختاپوس امپراتوری ثروت صهیونیسم جهانی بر محبوب‌ترین ورزش جهان، بیش از پیش بر ما روشن شود.<sup>۵</sup>

### ۵. ترویج فرهنگ غربی و شیوه قهرمان‌پروری و تخریب فرهنگ بومی و منش پهلوانی

فرهنگ مصرف‌گرایی، عادی‌سازی خشونت و رواج مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل؛ تنها بخشی از آن چیزی است که به ذهن متحیر و بهت‌زده جادو شدگان پای تلویزیون تزریق می‌شود؛ اما سه مسئله از دیگر مسایل مهم ترمی‌نماید:

اول جایگزین کردن شهوت قهرمانی و شیوه قهرمان‌پروری به جای منش پهلوانی و روحیه اخلاقی و انسانی. در فوتبال، بسیاری برای قهرمان شدن و برتری بر دیگران تلاش می‌کنند، تمارض می‌کنند، درگیر می‌شوند، ناسزای می‌گویند، اعتراض می‌کنند و هیچ چیز در خدمت اعتلای روح، رسیدن به کمال و رشد مکارم اخلاق به کار گرفته نمی‌شود؛ بلکه تنها جام قهرمانی است که برای رسیدن به آن، هر عملی مشروع می‌شود.

دوم کاهش ارزش و منزلت انسان و انسانیت و نزول آن تا تبدیل شدن به کالایی برای خرید و فروش به منظور سودآوری برای مدیران باشگاه‌ها. انسانی که قرآن به تکریم و بزرگداشت او افتخار می‌کند و او را شایسته مقام خلیفه‌اللهی می‌داند، در الگوی غربی مدیریت فوتبال، به مهره‌ای سودآور در شطرنج اقتصاد سرمایه‌داری پست مدرن تبدیل شده است. ارزش انسان‌ها در این تجارت‌خانه بزرگ، تنها به قیمت تجاری آن‌هاست.

سوم تبلیغ یکی از خطرناک‌ترین برنامه‌های استعماری غرب یعنی جهانی شدن. مسابقه فینال جام جهانی است و میلیون‌ها نفر در

آفریقا، آمریکای جنوبی و آسیا، جشنواره‌ای از مظاهر فرهنگ شوم غرب را به تظاهر نشسته‌اند. روشن است که ماشین تولید بی‌هویتی و پوچی و بی‌خدایی غرب برای تسخیر ذهن بینندگان تلویزیونی، از این فرصت طلایی بیشترین بهره را خواهد برد. رسانه‌های غربی، برای تسخیر ذهن بینندگان تلویزیونی، از این فرصت طلایی بیشترین بهره را خواهد برد. رسانه‌های غربی، تمام تلاششان را برای رسیدن به یک هدف به کار می‌گیرند و آن هم ساختن جهانی است یکدست، بر مبنای فرهنگ پوشالی غرب و در خدمت اقتصاد و سیاست آن. برای مثال می‌توان از مدل آرایش سر و صورت، کیف مدرسه دانش‌آموزان، مدل‌های لباس و دکوراسیون اتاق‌های شخصی؛ به عنوان بخشی از تجلیاتی که از آغاز شدن سیر خطرناک جهانی شدن خبر می‌دهند، نام برد.

ورزش فی نفسه دارای آثار مثبت فراوانی است و می‌توان از بسیاری از ورزش‌های سالم جهت پرورش جسم و روح و پرورش روحیه تعاون و همکاری استفاده کرد و با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی مناسب از آن‌ها برای تعالی برخی ارزش‌ها و فضایل انسانی نیز کمک گرفت و تأثیرات جانبی فوتبال بر آن دسته از بینندگان و تماشاگرانی بیشتر است که خود کمتر این هیجانات را به طور عینی و واقعی تجربه کرده‌اند. با توجه به این نکته، پرواضح است که منافع غرب در شرایطی تأمین می‌شود که توده مردم از امکانات ورزشی مناسب بی‌بهره بوده و امکان تخلیه مناسب هیجان‌اتشان از آن‌ها گرفته شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. کیهان ورزشی، سال ۴۴، ش ۱۶۱، ص ۸.
۲. متأسفانه اشتیاق کاذب به شخصیت‌های جهانی فوتبال در میان جوانان جوامع مذهبی تا بدان جا پیش می‌رود که اطلاعات بسیاری از این جوانان از زندگی فوتبال‌بست‌های بیگانه به مراتب بیش از آگاهی آن‌ها از زندگی سراسر درس آموز پیشوایان مذهبی خودشان است.
۳. [www.isna.ir](http://www.isna.ir).
۴. [www.bbc.com](http://www.bbc.com).
۵. رک: [www.hamshahri.org](http://www.hamshahri.org).